

منابع قدرت آمریکا: سیاست خارجی برای دنیای تغییرکرده

نویسنده: جیک سالیوان
معرفی: یاسر نورعلی‌وند

اشاره: در اواخر سال ۲۰۲۳ مقاله‌ای از جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، با عنوان «منابع قدرت آمریکا: سیاست خارجی برای دنیای تغییرکرده» در مجله «فارن افرز» منتشر شد. ایده اصلی مقاله سالیوان این است که دوران پس از جنگ سرد به سرعت در حال تبدیل شدن به خاطره است و چالش اصلی پیش روی آمریکا، سازگاری با «رقابت در عصر وابستگی متقابل» است. از نظر او، دوران پس از جنگ سرد اکنون به طور قطعی به پایان رسیده و دوره جدیدی از تشدید رقابت استراتژیک آغاز شده که تقریباً همه جنبه‌های سیاست بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سالیوان معتقد است که انتخاب‌های خود آمریکاست که تا حد زیادی نتیجه این رقابت استراتژیک را تعیین خواهد کرد. او بر این باور است که آینده آمریکا را دو چیز تعیین می‌کند: یکی اینکه آیا می‌تواند مزایای اصلی خود را در رقابت ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ حفظ کند و دیگری، اینکه آیا می‌تواند جهان را برای مقابله با چالش‌های فراملی از تغییرات اقلیمی و سلامت جهانی گرفته تا امنیت غذایی و رشد اقتصادی فراگیر دور هم جمع کند.

مقدمه

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، یکی از تأثیرگذارترین افراد در سیاست‌گذاری‌های راهبردی دولت کنونی آمریکاست. او در کارزار انتخاباتی حزب دموکرات در سال ۲۰۰۸ مشاور کارزار هیلاری کلینتون بود و پس از شکست کلینتون در برابر اوباما، به کارزار اوباما پیوست. پس از پیروزی اوباما، وقتی کلینتون وزیر خارجه شد، سالیوان از مشاوران او بود و در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ نیز مدیر برنامه‌ریزی سیاستی^۱ و زرات خارجه آمریکا بود. سپس، به مدت یک سال مشاور

1. Jake Sullivan (November/December 2023) The Sources of American Power: A Foreign Policy for a Changed World, Foreign Affairs.

2. Director of Policy Planning

امنیت ملی معاون وقت رئیس جمهور آمریکا یعنی جو بایدن شد. سالیوان به همراه بیل برنز، رئیس کنونی سازمان سیا، هدایت مذاکرات محرمانه هسته‌ای با ایران را بر عهده داشتند که منجر به توافق اولیه ژنو با نام «برنامه اقدام مشترک» شد. به فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ او در دانشگاه بیبل حقوق تدریس می‌کرد و همکار ارشد «موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی» نیز بود. بایدن پس از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۲۰ سالیوان را به‌عنوان مشاور امنیت ملی انتخاب کرد. وظیفه مشاور امنیت ملی در دولت آمریکا، ارائه مشاوره به رئیس جمهور در تمامی موضوعات امنیتی است.

شورای امنیت ملی آمریکا در آغاز جنگ سرد تحت «قانون امنیت ملی ۱۹۴۷»^۱ برای هماهنگی امور دفاعی، خارجی، سیاست اقتصادی بین‌المللی و اطلاعات ایجاد شد. این بخشی از سازماندهی مجدد بزرگی بود که ایجاد وزارت دفاع و آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) نیز بخشی از آن بود. او در ارتباط با دستگاه‌های مختلف سیاست‌گذاری به‌ویژه سازمان‌ها و نهادهای دفاعی و امنیتی و نیز نخبگان آمریکایی، برآوردها و گزینه‌های اقدام در مورد موضوعات امنیتی به رئیس جمهور ارائه می‌کند. با این حال، میزان تأثیرگذاری مشاور امنیت ملی بر سیاست‌های دولت‌ها در آمریکا بیش از آنکه ناشی از جایگاه بوروکراتیک او باشد، وابسته به شخصیت و توانایی‌های اوست. برای نمونه، اولین بار در دوران هنری کیسینجر بود که جایگاه مشاور امنیت ملی به شدت ارتقا پیدا کرد.

در دولت بایدن، سالیوان در جایگاه مشاور امنیت ملی، از نفوذ و تأثیرگذاری بسیار بالایی برخوردار است و در شکل‌دهی به سیاست‌گذاری‌های راهبردی آمریکا نقش مهمی ایفا می‌کند. از این نظر، بررسی دیدگاه او در مورد نظام بین‌الملل از اهمیت زیادی برخوردار است. در این نوشتار، محورهای اصلی مقاله او با عنوان «منابع قدرت آمریکا: سیاست خارجی برای دنیای تغییرکرده» که در اواخر سال ۲۰۲۳ در مجله «فاران افروز» منتشر شد، بررسی می‌شود.

اهمیت «تصمیمات استراتژیک» در سرنوشت کشورها

مشاور امنیت ملی بایدن در ابتدای مقاله خود می‌گوید که عناصر زیربنایی قدرت ملی مهم هستند، اما آنچه به آینده شکل می‌دهد، تصمیمات استراتژیک کشورهاست: «عناصر زیربنایی قدرت ملی مانند جمعیت، جغرافیا و منابع طبیعی اهمیت دارند، اما تاریخ نشان می‌دهد که اینها برای تعیین اینکه کدام کشورها آینده را شکل خواهند داد، کافی نیستند. این تصمیمات استراتژیک کشورهاست که بیشترین اهمیت را دارند: اینکه چگونه خود را در داخل سازماندهی می‌کنند؛ روی چه چیزی سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ با چه کسی همسو می‌شوند و چه کسی می‌خواهد با آنها همسو شود؛ در کدام جنگ می‌جنگند، جلوی چه جنگی را می‌گیرند و از کدام جنگ پرهیز می‌کنند».

1. National Security Act of 1947

لزوم تطبیق مفروضات و ساختارهای قدیمی با چالش‌های جدید

از نظر سالیوان، آمریکا پس از جنگ سرد اشتباهات و غفلت‌هایی داشته که برای موقعیت این کشور چالش‌های جدی ایجاد کرده‌اند. وجود بی‌میلی برای مقابله با شکست‌های آشکار بازار که تاب‌آوری اقتصاد آمریکا را مورد تهدید قرار داده، یکی از آنهاست. مورد دوم به تمرکز ارتش آمریکا بر بازیگران غیردولتی و دولت‌های سرکش^۱ به ویژه در پی ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد که باعث شد این کشور بر بهبود موقعیت استراتژیک خود و آماده شدن برای عصر جدیدی که در آن رقبا به دنبال کپی برداری از مزیت‌های نظامی آمریکا باشند، تمرکز نکند. مورد سوم این است که مقام‌های آمریکایی تا حد زیادی تصور می‌کردند که جهان برای مقابله با بحران‌های مشترک متحد می‌شود؛ همانطور که در سال ۲۰۰۸ با بحران مالی این اتفاق افتاد، نه اینکه تکه تکه می‌شود؛ آن‌گونه که در مواجهه با همه‌گیری کرونا رخ داد. اشتباه دیگر این بود که واشنگتن اغلب با نهادهای بین‌المللی به شکل انحصاری رفتار می‌کرد و توجهی به اینکه جامعه بین‌المللی گسترده‌تر را نمایندگی نمی‌کردند، نداشت.

از نظر مشاور امنیت ملی بایدن، تأثیر کلی این اشتباهات و غفلت‌ها این بود که هرچند آمریکا قدرت برتر جهان باقی ماند، اما برخی از حیاتی‌ترین عضلات آن از بین رفتند. از نظر او، در رأس این موارد، انتخاب دونالد ترامپ بود که با حضور او در کاخ سفید، آمریکا رئیس‌جمهوری داشت که معتقد بود اتحادها پیش نوعی رفاه ژئوپلیتیکی است. اقداماتی که او انجام داد و آسیبی که به این اتحادها زد، مورد تجلیل پکن و مسکو قرار گرفت که به درستی اتحادهای آمریکا را منبع قدرت این کشور می‌دانستند. بر این اساس، سالیوان معتقد است که ترامپ به جای اقدام برای شکل دادن به نظم بین‌المللی، از آن عقب‌نشینی کرد.

برای جبران این اشتباهات و غفلت‌ها، دیدگاه مشاور امنیت ملی بایدن این است که «مفروضات و ساختارهای قدیمی باید برای پاسخگویی به چالش‌هایی که آمریکا از هم‌اکنون تا سال ۲۰۵۰ با آن مواجه خواهد شد، تطبیق داده شود». از نظر سالیوان، این مستلزم تغییر طرز تفکر آمریکا در مورد قدرت است. در این راستا، او معتقد است که آمریکا باید اقتصادش را تقویت کند و آن را از وابستگی‌های خطرناک برهاند: «قدرت بین‌المللی به اقتصاد داخلی قوی بستگی دارد و قدرت اقتصاد نه تنها با اندازه یا کارآمدی آن، بلکه با میزان مؤثربودگی آن برای همه آمریکایی‌ها و رها بودن از وابستگی‌های خطرناک اندازه‌گیری می‌شود». همچنین، از نظر او، قدرت آمریکا متکی بر اتحادها پیش است، اما روابط با متحدان که قدمت بسیاری از آنها به بیش از هفت دهه قبل می‌رسد، باید برای چالش‌های امروزی به روز شود و انرژی بگیرد. علاوه بر این، مشاور امنیت ملی بایدن معتقد است که «واشنگتن دیگر نمی‌تواند رویکردی بی‌مهابا در استفاده از نیروی نظامی داشته باشد، حتی زمانی که تلاش گسترده‌ای برای بسیج دفاع از اوکراین و توقف تجاوز روسیه انجام داده‌ایم».

1. Rogue nations

پس برای جبران اشتباهات و غفلت‌های گذشته و تطبیق مفروضات و ساختارهای قدیمی با چالش‌های جدید، دولت بایدن سه هدف اصلی را در پیش گرفته است: ۱. تقویت اقتصاد داخلی و کاهش وابستگی‌های خطرناک که عمدتاً منظور او، ریسک‌زدایی از روابط اقتصادی به‌ویژه در زمینه زنجیره تأمین با چین است؛ ۲. تقویت و به‌روزرسانی اتحاد‌های آمریکا؛ و ۳. احتیاط زیاد در استفاده از قدرت نظامی.

تقویت آمریکا از درون

از نظر سالیوان، آمریکا که در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست سرمایه‌گذاری عمومی جسورانه از جمله در تحقیق و توسعه و بخش‌های استراتژیک را دنبال کرده بود و همین عامل، پشتوانه موفقیت اقتصادی این کشور بود، پس از جنگ سرد، از اهمیت سرمایه‌گذاری در رونق اقتصادی در داخل غافل شد. دولت آمریکا سیاست‌های تجاری و مالیاتی را طراحی کرد که تمرکز کافی هم بر کارگران آمریکایی و هم بر روی کره زمین نداشت. او می‌گوید که در شور و نشاط «پایان تاریخ»^۱ بسیاری از ناظران اظهار داشتند که رقابت‌های ژئوپلیتیکی جای خود را به ادغام اقتصادی می‌دهد و بیشتر بر این باور بودند که کشورهای جدیدی که وارد نظام اقتصادی بین‌المللی شده‌اند، سیاست‌های خود را مطابق با قوانین تنظیم می‌کنند. در نتیجه، اقتصاد آمریکا دچار آسیب‌پذیری‌های نگران‌کننده‌ای شد. در حالی که در سطح کلان رشد کرد، در سطوح زیرین، جوامع توخالی شدند. آمریکا بیشتازی در بخش‌های مهم تولیدی را واگذار کرد و نتوانست سرمایه‌گذاری‌های لازم را در زیرساخت‌های خود انجام دهد. طبقه متوسط نیز ضربه خورد.

در چنین شرایطی، بایدن سرمایه‌گذاری در نوآوری و قدرت صنعتی در خانه را در اولویت قرار داده است. این سرمایه‌گذاری‌های عمومی، برای گزینش برندگان و بازندگان یا پایان دادن به جهانی شدن نیست. آنها جایگزین سرمایه‌گذاری خصوصی نیستند، بلکه آن را تقویت می‌کنند و ظرفیت آمریکا برای ارائه رشد فراگیر، ایجاد تاب‌آوری و حفاظت از امنیت ملی را افزایش می‌دهند. به ادعای سالیوان، دولت بایدن گسترده‌ترین سرمایه‌گذاری‌های جدید را در دهه‌های اخیر تصویب کرده است؛ از جمله قوانین دوحزبی سرمایه‌گذاری زیرساختی و مشاغل، قانون تراشه و علم و قانون کاهش تورم. او می‌گوید: «ما در حال ترویج پیشرفت‌های جدید در هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی، بیوتکنولوژی، انرژی پاک و نیمه‌هادی‌ها هستیم و در عین حال، با مشارکت متحدان، از مزایا و امنیت آمریکا از طریق کنترل‌های جدید صادراتی و قوانین سرمایه‌گذاری محافظت می‌کنیم».

مشاور امنیت ملی بایدن ادعا کرده که این سیاست‌ها باعث ایجاد تغییراتی شده است: «سرمایه‌گذاری‌های کلان در تولید نیمه‌هادی‌ها و انرژی پاک از سال ۲۰۱۹ بیست برابر شده

۱. اشاره به تز معروف فرانسیس فوکویاما، نظریه‌پرداز آمریکایی، درباره پایان تاریخ دارد.

است. اکنون تخمین می‌زنیم که سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در این بخش‌ها در یک دهه آینده به ۲/۵ تریلیون دلار برسد. و هزینه‌های ساخت‌وساز در تولید^۱ از پایان سال ۲۰۲۱ دو برابر شده است.» سالیوان می‌گوید که در دهه‌های اخیر، زنجیره‌های تأمین مواد معدنی حیاتی آمریکا به شدت به بازارهای غیرقابل پیش‌بینی خارج از کشور، که بسیاری از آنها تحت سلطه چین هستند، وابسته شده است. به همین دلیل است که دولت بایدن برای ایجاد زنجیره‌های تأمین انعطاف‌پذیر و بادوام، با شرکا و متحدان در بخش‌های حیاتی - از جمله نیمه‌هادی‌ها، پزشکی و بیوتکنولوژی، مواد معدنی حیاتی و باتری‌ها - کار می‌کند تا آمریکا در برابر اختلالات قیمت یا عرضه آسیب‌پذیر نباشد. رویکرد ما شامل مواد معدنی است که برای تمام جنبه‌های امنیت ملی مهم هستند نه صرفاً بخش دفاعی.

مشاور امنیت ملی بایدن در مقاله خود نوشته که زمانی که دولت بایدن روی کار آمد، متوجه شدیم که هرچند ارتش آمریکا قوی‌ترین ارتش جهان است، اما پایگاه صنعتی آن از مجموعه‌ای از آسیب‌پذیری‌ها رنج می‌برد که به آنها توجه نشده است. پس از سال‌ها سرمایه‌گذاری کم، نیروی کار پیر و اختلالات زنجیره تأمین، بخش‌های مهم دفاعی ضعیف‌تر و دچار کاهش پویایی شده بودند. او ادعا کرده که دولت بایدن در حال بازسازی این بخش‌ها است؛ از سرمایه‌گذاری در پایگاه صنعتی زیردریایی گرفته تا تولید مهمات حیاتی‌تر؛ تا آمریکا بتواند آنچه را که برای حفظ بازدارندگی در فضاهای رقابتی لازم است، انجام دهد. او می‌گوید ما در حال سرمایه‌گذاری در بازدارندگی هسته‌ای آمریکا هستیم تا از اثربخشی مداوم آن اطمینان حاصل کنیم زیرا رقبا در حال ساختن زرادخانه‌های خود هستند. در عین حال، در صورت تمایل رقبا، آمریکا آماده مذاکرات آتی کنترل تسلیحات است. ما همچنین با نوآورانه‌ترین آزمایشگاه‌ها و شرکت‌ها همکاری می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که توانمندی‌های متعارف برتر آمریکا از جدیدترین فناوری‌ها بهره می‌برند.

بازسازی و تقویت ائتلاف‌ها و اتحادها

سالیوان می‌گوید که اتحاد و مشارکت آمریکا با سایر دموکراسی‌ها، بزرگ‌ترین مزیت بین‌المللی آن بوده است. از نظر او، این اتحادها و مشارکت‌ها به ایجاد جهانی آزادتر و پایدارتر و جلوگیری از خشونت یا کاهش آن کمک کرده‌اند. با این حال، او معتقد است که این اتحادها برای دوره متفاوتی ساخته شده‌اند. ضمن اینکه در سال‌های اخیر، آمریکا از آن‌ها کم استفاده کرده یا حتی آنها را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، بایدن از لحظه روی کار آمدن خود، در مورد اهمیتی که برای ائتلاف‌های آمریکا قائل بود، به‌ویژه با توجه به بدبینی سلف خویش در مورد آنها، شفاف بوده است. با وجود این، بایدن درک کرد که حتی کسانی که در طول سه دهه گذشته از این اتحادها حمایت کردند، اغلب نیاز به مدرن‌سازی آنها برای «رقابت در عصر وابستگی متقابل» را نادیده گرفتند.

1. Construction spending on manufacturing

بر این اساس، سالیوان ادعا کرده که دولت بایدن این اتحادها و مشارکتها را تقویت کرده؛ که منجر به بهبود موقعیت استراتژیک آمریکا و توانایی آن را برای مقابله با چالش‌های مشترک می‌شود. برای نمونه، دولت بایدن ائتلاف جهانی از کشورها برای حمایت از اوکراین و تحمیل هزینه‌ها به روسیه بسیج کرده است. ناتو گسترش یافته و فنلاند را در بر گرفته و به زودی سوئد را نیز در بر خواهد گرفت. ناتو همچنین موقعیت خود را در جناح شرقی تقویت کرده؛ توانایی پاسخ به حملات سایبری علیه اعضای خود را به کار گرفته و در دفاع هوایی و موشکی سرمایه‌گذاری کرده است. همچنین، آمریکا و اتحادیه اروپا همکاری خود را در زمینه اقتصاد، انرژی، فناوری و امنیت ملی به طور چشم‌گیری تعمیق بخشیده‌اند.

مشاور امنیت ملی آمریکا می‌گوید که ما در حال انجام کار مشابهی در آسیا هستیم. در ماه اوت ۲۰۲۳ نشست تاریخی را در کمپ دیوید برگزار کردیم که دوران جدیدی از همکاری‌های سه‌جانبه را میان آمریکا، ژاپن و کره جنوبی تثبیت کرد و در عین حال، اتحادهای دوجانبه آمریکا با این کشورها را به اوج جدیدی رساند. در مواجهه با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خطرناک و غیرقانونی کره شمالی، تلاش می‌کنیم تا اطمینان حاصل کنیم که بازدارندگی گسترده آمریکا قوی‌تر از همیشه باشد؛ تا منطقه صلح‌آمیز و باثبات بماند. به همین دلیل است که اعلامیه واشینگتن را با کره جنوبی منعقد کردیم و در حال پیشبرد مذاکرات بازدارندگی سه‌جانبه با ژاپن و کره جنوبی هستیم. از طریق آیوکیوس^۱ - مشارکت امنیتی سه‌جانبه بین آمریکا، استرالیا و بریتانیا - پایگاه‌های صنعتی دفاعی سه کشور را برای تولید زیردریایی‌های هسته‌ای و افزایش همکاری در زمینه قابلیت‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، پلتفرم‌های خودمختار^۲ و جنگ الکترونیک ادغام کرده‌ایم.

دسترسی به مکان‌های جدید از طریق قرارداد همکاری دفاعی با فیلیپین، موقعیت استراتژیک آمریکا را در اقیانوس هند و آرام تقویت می‌کند. در ماه سپتامبر ۲۰۲۳ پریزدنت بایدن به هانوی سفر کرد تا اعلام کند که ایالات متحده و ویتنام در حال ارتقای روابط خود به مشارکت استراتژیک جامع هستند. کواد^۳ که آمریکا، استرالیا، هند و ژاپن را گرد هم می‌آورد، اشکال جدیدی از همکاری منطقه‌ای در زمینه فناوری، آب و هوا، سلامت و امنیت دریایی را راه‌اندازی کرده است. ما همچنین در شراکت قرن بیست و یکم بین آمریکا و هند سرمایه‌گذاری می‌کنیم که نمونه بارز آن «ابتکار آمریکا و هند در زمینه فناوری‌های حیاتی و نوظهور»^۴ است. ما در «چارچوب اقتصادی هند - اقیانوس آرام برای رفاه»^۵ در حال تعمیق روابط تجاری و مذاکره برای انعقاد توافقنامه‌هایی در راستای انعطاف‌پذیری زنجیره تامین، اقتصاد انرژی پاک و مبارزه با فساد و همکاری مالیاتی با ۱۳ شریک مختلف در آن منطقه هستیم.

1. AUKUS

2. Autonomous platforms

3. Quad

4. U.S.-India Initiative on Critical and Emerging Technology

5. Indo-Pacific Economic Framework for Prosperity

همچنین، دولت بایدن در حال تقویت مشارکت‌های آمریکا در خارج از آسیا و در سراسر شکاف‌های سنتی منطقه‌ای است. در دسامبر ۲۰۲۲ در اولین اجلاس سران آمریکا و آفریقا از سال ۲۰۱۴، آمریکا مجموعه تعهدات تاریخی از جمله حمایت از عضویت اتحادیه آفریقا در گروه ۲۰ و امضای یادداشت تفاهم با دبیرخانه منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا را پذیرفت؛ تلاشی که بازاری گسترده در سراسر قاره آفریقا با ۱/۳ میلیارد نفر و ۳/۴ تریلیون دلار فراهم می‌کند. همچنین، در سال ۲۰۲۲، از طریق «بیانیه لس آنجلس در مورد مهاجرت و حفاظت»^۱ اقدامات نیم‌کره (قاره آمریکا) در زمینه مهاجرت را تقویت و ابتکار «مشارکت آمریکا برای رونق اقتصادی»^۲ را برای بهبود اقتصادی نیم‌کره غربی راه‌اندازی کردیم. ما همچنین در ائتلاف جدیدی شامل هند، اسرائیل، آمریکا و امارات متحده عربی به نام I2U2 قرار گرفتیم. این ائتلاف، آسیای جنوبی، خاورمیانه و آمریکا را از طریق ابتکارات مشترک در زمینه آب، انرژی، حمل و نقل، فضا، سلامت و امنیت غذایی گرد هم می‌آورد. در سپتامبر ۲۰۲۳ آمریکا به ۳۱ کشور دیگر در سراسر آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، آفریقا و اروپا برای ایجاد مشارکت در راستای همکاری آتلانتیک برای سرمایه‌گذاری در علم و فناوری، ترویج استفاده پایدار از اقیانوس و توقف تغییرات آب و هوایی پیوست. ما شراکت سایبری جهانی جدیدی تشکیل داده‌ایم که ۴۷ کشور و سازمان بین‌المللی را برای مقابله با بلای باج‌افزار گرد هم می‌آورد.

سالیوان می‌گوید که اینها تلاش‌هایی منفرد نیستند، بلکه بخشی از شبکه خودتقویت‌کننده همکاری هستند. نزدیک‌ترین شرکای آمریکا دموکراسی‌ها هستند و ما به شدت برای دفاع از دموکراسی در سراسر جهان تلاش خواهیم کرد. اجلاس سران برای دموکراسی، که رئیس‌جمهور برای اولین بار در سال ۲۰۲۱ تشکیل داد، مبنایی نهادی برای تعمیق دموکراسی و پیشبرد حکمرانی، مبارزه با فساد و حقوق بشر ایجاد کرده است. البته طیف کشورهایی که از دیدگاه واشنگتن در مورد جهانی آزاد، باز، مرفه و امن حمایت می‌کنند، گسترده‌تر و قدرتمندتر است و شامل کشورهایی می‌شود که دارای نظام‌های سیاسی متنوع هستند. ما با هر کشوری که برای دفاع از اصول منشور سازمان ملل متحد آماده باشد، همکاری خواهیم کرد؛ حتی زمانی که از حکومت شفاف و پاسخ‌گو و اصلاح‌طلبان دموکراتیک و مدافعان حقوق بشر حمایت می‌کنیم.

مشاور امنیت ملی بایدن در مقاله خود گفته که در حال تقویت پیوند بین اتحاد‌های آمریکا در اقیانوس هند و آرام و اروپا هستیم. آمریکا در هر منطقه‌ای به دلیل اتحاد‌هایش در منطقه دیگر قوی‌تر است. متحدان در اقیانوس هند و آرام از حامیان سرسخت اوکراین هستند، در حالی که متحدان در اروپا به آمریکا کمک می‌کنند تا از صلح و ثبات در سراسر تنگه تایوان حمایت کند. تلاش‌های بایدن برای تقویت اتحادها نیز به بیشترین میزان تقسیم هزینه‌ها در دهه‌های اخیر کمک کرده است. البته آمریکا از متحدان خود می‌خواهد تا در عین حال بیشتر از این هزینه

1. Los Angeles Declaration on Migration and Protection

2. Americas Partnership for Economic Prosperity

کند. تقریباً ۲۰ کشور ناتو در مسیر رسیدن به هدف صرف دودرصد از تولید ناخالص داخلی برای دفاع در سال ۲۰۲۴ هستند؛ که این رقم در سال ۲۰۲۲ تنها شامل هفت کشور بود. ژاپن وعده داده بودجه دفاعی خود را دو برابر کند و در حال خرید موشک‌های تاماهاوک ساخت آمریکاست تا بازدارندگی خود در برابر رقبای دارای سلاح هسته‌ای در منطقه را افزایش دهد. استرالیا به عنوان بخشی از آیوکیوس، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری را در تاریخ خود در زمینه قابلیت‌های دفاعی انجام می‌دهد و در عین حال، در پایگاه صنعت دفاعی آمریکا نیز سرمایه‌گذاری می‌کند. آلمان به سومین تأمین‌کننده تسلیحات اوکراین تبدیل شده و در حال کنار گذاشتن انرژی روسیه است.

چالش‌های جهانی و رهبری آمریکا

بر اساس ادعای مشاور امنیت ملی بایدن، بحران کوید-۱۹ تجربه‌ی تکان‌دهنده‌ای از بحرانی جهانی بدون رهبری جهانی بوده و ثابت کرد که در غیاب رهبری آمریکا، هیچ‌کس دیگری تمایل به ایفای نقش رهبری برای غلبه بر چالش‌ها و مشکلات جهانی ندارد. از نظر او، اگر آمریکا از نقش رهبری عقب‌نشینی کند و نتواند برای غلبه بر چالش‌ها و مشکلات جهانی به‌ویژه در «جنوب جهانی» پیشنهادهای بهتری ارائه کند، بسیاری از کشورها از روی ناچاری به قدرت‌های بزرگ اقتدارگرا تمایل پیدا خواهند کرد. بر این اساس، سالیوان می‌گوید که دولت بایدن با درک این واقعیت، در راستای تقویت رهبری جهانی آمریکا حرکت کرده است. توسعه، سرمایه‌گذاری زیرساختی، سلامت، آب و هوا و هوش مصنوعی از جمله چالش‌ها و مسائلی هستند که از نظر او دولت بایدن در راستای رهبری جهانی آمریکا به آنها توجه نشان داده است. از نظر مشاور امنیت ملی بایدن، کمک به سایر کشورها برای قوی‌تر شدن و غلبه بر چالش‌ها و مشکلات در این زمینه‌ها، آمریکا را قوی‌تر و امن‌تر می‌کند.

در زمینه توسعه، سالیوان ادعا کرده که دولت بایدن برای اهداف توسعه پایدار سازمان ملل اولویت قائل است و در این راستا، در حال مد‌رنیزاسیون بانک جهانی است تا بتواند با سرعت و مقیاس کافی به چالش‌های امروزی رسیدگی کند. در این زمینه، آمریکا با شرکای خود برای افزایش چشم‌گیر تأمین مالی بانک جهانی از جمله کشورهای با درآمد کم و متوسط کار می‌کند و در راستای راه‌حل‌هایی برای کمک به کشورهای بدهکار آسیب‌پذیر تلاش می‌کند. در بحث سرمایه‌گذاری زیرساختی، سالیوان گفته که در سال‌های اخیر طرح کمربند-جاده چین غالب بود و آمریکا در سرمایه‌گذاری زیرساختی در مقیاس بزرگ در کشورهای در حال توسعه عقب ماند، ولی اکنون، این کشور صدها میلیارد دلار سرمایه را از طریق مشارکت گروه-۷ برای زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری جهانی در راستای حمایت از زیرساخت‌های فیزیکی، دیجیتالی، انرژی پاک و سلامت در کشورهای در حال توسعه بسیج کرده است.

در موضوع سلامت، مشاور امنیت ملی بایدن ادعا کرده که آمریکا در زمینه سلامت جهانی پیش‌تاز است و بیش از هر زمان دیگری برای پایان دادن به اپیدمی‌هایی مانند ایدز، سل و مالاریا

با عنوان تهدیدهای بهداشت عمومی تا سال ۲۰۳۰ سرمایه‌گذاری می‌کند. در زمینه آب و هوا، او گفته که آمریکا در حال پیشبرد استقرار جهانی فناوری انرژی پاک است و برای اولین بار، این کشور به تعهد ملی خود تحت توافق پاریس برای کاهش انتشار خالص گازهای گلخانه‌ای و تعهد جهانی برای بسیج ۱۰۰ میلیارد دلار در سال برای کشورهای در حال توسعه در راستای مقابله با تغییرات آب و هوایی عمل خواهد کرد. در مورد هوش مصنوعی، سالیوان در مقاله خود گفته که مشاغل پیشرو آمریکا را که مسئول نوآوری هوش مصنوعی هستند، گرد هم آوردیم تا مجموعه‌ای از تعهدات داوطلبانه را برای توسعه هوش مصنوعی به روش‌هایی ایمن، امن و شفاف انجام دهند. همچنین، دولت آمریکا تعهداتی را در این زمینه پذیرفته و در فوریه اعلامیه‌ای در مورد استفاده نظامی مسئولانه از هوش مصنوعی صادر کرد. علاوه بر این، آمریکا از طریق همکاری با متحدان، شرکا و سایر کشورها در حال پیگیری ابتکارهایی برای ایجاد قوانین و اصول قوی برای حاکمیت هوش مصنوعی است.

در راستای غلبه بر مشکلات و چالش‌های جهانی، مشاور امنیت ملی بایدن بحث نوسازی و تقویت نهادهای بین‌المللی را نیز مطرح کرده است. او گفته که قرار نیست اتحادها و ائتلاف‌ها جایگزین نهادهای بین‌المللی موجود شوند. سالیوان ادعا کرده که دولت بایدن در راستای تقویت و تجدید قوای این نهادها تلاش می‌کند و آنها را برای دنیایی که امروز با آن روبرو هستیم، به روز می‌کند. او گفته که علاوه بر نوسازی بانک جهانی، بایدن پیشنهاد داده که کشورهای در حال توسعه در صندوق بین‌المللی پول سهم بیشتری داشته باشند. همچنین، دولت بایدن به تلاش خود برای اصلاح سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد داد تا بتواند گذار به انرژی پاک را به پیش برد؛ از کارگران محافظت کند؛ و رشد فراگیر و پایدار را ارتقا دهد و در عین حال، رقابت، بازبودن، شفافیت و حاکمیت قانون ادامه یابد. سالیوان همچنین گفته که بایدن خواستار اصلاحات گسترده در شورای امنیت سازمان ملل متحد شده تا تعداد اعضای دائمی و غیردائم را افزایش داده و این شورا را را مؤثرتر و فراگیرتر کند.

استفاده‌گرینشی از قدرت نظامی

سالیوان در مقاله خود گفته که در دهه ۱۹۹۰ سیاست دفاعی آمریکا تحت تأثیر سؤالاتی از این قبیل بود که آیا و چگونه باید در کشورهای جنگ‌زده برای جلوگیری از جنایات گسترده مداخله کرد. پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا تمرکز خود را معطوف به گروه‌های تروریستی کرد. خطر درگیری قدرت‌های بزرگ دور از دسترس به نظر می‌رسید. اما این وضعیت با تهاجم روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ و همچنین با مدرنیزاسیون نظامی سرسام‌آور چین و تحریکات نظامی فزاینده آن در دریاها، چین جنوبی و شرقی و تنگه تایوان شروع به تغییر کرد. این در حالی است که اولویت‌های آمریکا با شتاب کافی با چالش‌های جلوگیری از تجاوز قدرت‌های بزرگ و پاسخ به آن پس از وقوع، تطبیق داده نشد. بایدن مصمم به انجام این کار بوده است.

او به دخالت آمریکا در جنگ افغانستان، طولانی‌ترین جنگ در تاریخ آمریکا، پایان داد و برای اولین بار در دو دهه گذشته، آمریکا را از حفظ نیروهای نظامی در خصوصت‌های فعال آزاد کرد. این گذار، بی‌تردید دردناک بود؛ به‌ویژه برای مردم افغانستان و سربازان آمریکا و سایر کارکنانی که در آنجا خدمت می‌کردند. اما در راستای آماده‌سازی ارتش آمریکا برای چالش‌های پیش رو ضروری بود. یکی از آن چالش‌ها حتی سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌کردیم، با تهاجم وحشیانه روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ رخ داد. اگر آمریکا همچنان در افغانستان می‌جنگید، به احتمال زیاد روسیه در حال حاضر هر کاری برای کمک به طالبان می‌کرد تا واکنش را در آنجا متمرکز کند و از تمرکز آن بر کمک به اوکراین جلوگیری کند.

در مورد تهدیدهای ناشی از تروریسم، سالیوان گفته که همچنان آماده مقابله با تهدید پایدار تروریسم بین‌المللی هستیم، اما وارد جنگ‌های طولانی‌مدت برای مبارزه با تروریست‌ها نمی‌شویم. او ادعا کرده که دولت بایدن در زمینه مبارزه با تروریسم در افغانستان فراتر از انتظار عمل کرده - به‌ویژه با عملیاتی که باعث کشته شدن ایمن الظواهری رئیس القاعده شد - و سایر اهداف تروریستی را در سومالی، سوریه و جاهای دیگر نابود کرده است. او گفته که ما به این کار ادامه خواهیم داد، اما از جنگ‌های طولانی‌مدت که می‌تواند آمریکا را محدود کند و عملاً تهدیدها علیه آمریکا را کاهش نمی‌دهد، اجتناب می‌کنیم.

رویکرد قاعده‌مند در قبال خاورمیانه

نسخه ابتدایی مقاله سالیوان قبل از عملیات ۷ اکتبر حماس (طوفان الاقصی) نوشته شده است. او در نسخه ابتدایی، بر پیشرفت در خاورمیانه پس از دو دهه تأکید می‌کند. جنگ یمن به هجدهمین ماه آتش‌بس خود رسیده بود. شدت درگیری‌های دیگر کاهش یافته بود. رهبران منطقه آشکارا با هم کار می‌کردند. در ماه سپتامبر ۲۰۲۳ بایدن کریدور اقتصادی جدید را اعلام کرد که هند را از طریق امارات متحده عربی، عربستان سعودی، اردن و اسرائیل به اروپا متصل می‌کند. بر این اساس، سالیوان در آن نسخه، تلاش‌های آمریکا را برای بازگشت به رویکرد سیاست قاعده‌مند که بازدارندگی از تجاوز، کاهش تنش‌ها و ادغام منطقه از طریق پروژه‌های زیرساختی مشترک از جمله بین اسرائیل و همسایگان عربش را در اولویت قرار می‌دهد، تشریح کرده بود. حملات ۷ اکتبر چالش اساسی برای برآورد مشاور امنیت ملی بایدن از خاورمیانه ایجاد کرد. با این حال، در نسخه اصلاح‌شده مقاله که پس از ۱۷ اکتبر منتشر شده، سالیوان گفته که با اینکه پیامدهای این حمله از جمله خطر تشدید تنش‌های منطقه‌ای ادامه دارد، اما هسته اصلی موضع و برنامه‌ریزی آمریکا در مورد خاورمیانه به‌طور کلی و این بحران به‌طور خاص، همان رویکرد قاعده‌مندی^۱ است که دولت بایدن از ابتدا در خاورمیانه دنبال کرده است.

بر اساس این رویکرد، آمریکا قاطعانه از اسرائیل حمایت می‌کند؛ زیرا از شهروندانش محافظت

1. Disciplined approach

می‌کند و از خود در برابر به گفته‌ او تروریست‌های بی‌رحم دفاع می‌کند. با این حال، دولت بایدن در حال همکاری نزدیک با شرکای منطقه‌ای برای تسهیل ارسال پایدار کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در نوار غزه است و بایدن بارها آشکارا گفته که آمریکا برای حفاظت از زندگی غیرنظامیان در جریان درگیری و احترام به قوانین جنگ ایستاده است. سالیوان ادعا کرده که حماس که جنایت‌هایش، بدترین ویرانی‌های داعش را یادآوری می‌کند، نماینده مردم فلسطین نیست و از حق آنها برای عزت و تعیین سرنوشت دفاع نمی‌کند. از نظر او، عزت و تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها در راه حل دو کشوری است که آمریکا به آن پایبند است. سالیوان ادعا کرده که گفتگوهای آمریکا با عربستان سعودی و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط میان آنها همواره شامل پیشنهادهای مهمی برای فلسطینی‌ها از جمله برداشتن گام‌های ملموس در مسیر راه حل دو کشوری بوده است.

سالیوان همچنین گفته که نسبت به خطر تبدیل شدن بحران کنونی خاورمیانه به درگیری منطقه‌ای هوشیار هستیم؛ ارتباطات دیپلماتیک گسترده‌ای داشته‌ایم؛ و موقعیت نیروی نظامی خود را در منطقه تقویت کرده‌ایم. او گفته که از آغاز دولت بایدن، در صورت لزوم برای محافظت از نیروهای آمریکایی اقدام نظامی کرده‌ایم و هرچند استفاده از نیروی نظامی هرگز نباید گزینه اول باشد، برای حفاظت از نیروها و منافع آمریکا در این منطقه، در صورت لزوم باز هم آماده استفاده از این گزینه هستیم. همچنین، تأکید کرده که «ما متعهد هستیم ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند».

حمایت گسترده، عمیق و پایدار از اوکراین

سالیوان گفته که بحران در خاورمیانه این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که آمریکا باید برای دوره جدیدی از رقابت استراتژیک آماده شود؛ به‌ویژه برای بازدارندگی و پاسخ به تهاجم قدرت‌های بزرگ. او گفته که وقتی متوجه شدیم ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، در حال آماده شدن برای حمله به اوکراین است، با چالشی مواجه شدیم: آمریکا طبق هیچ معاهده‌ای متعهد به دفاع از اوکراین نبود، اما اگر تجاوز روسیه بی‌پاسخ می‌ماند، کشور مستقلی از بین می‌رفت و پیامی به مستبدان در سراسر جهان ارسال می‌شد که حق با زور است. سالیوان گفته که ما به دنبال جلوگیری از این بحران بودیم و برای روسیه روشن کردیم که آمریکا از اوکراین حمایت خواهد کرد؛ ضمن اینکه تمایل به مشارکت در مذاکرات در مورد امنیت اروپا داشتیم؛ حتی اگر روسیه در انجام این کار جدی نبود. همچنین، از انتشار عمدی و مجاز یافته‌های اطلاعاتی برای هشدار به اوکراین، گردهم آوردن شرکای آمریکا و محروم کردن روسیه از توانایی ایجاد بهانه‌های دروغین برای تهاجم به اوکراین استفاده کردیم.

زمانی که پوتین حمله کرد، سیاستی را برای کمک به اوکراین در دفاع از خود بدون اعزام نیروهای آمریکایی به جنگ اجرا کردیم. آمریکا مقادیر زیادی تسلیحات دفاعی را برای اوکراینی‌ها

فرستاد و متحدان و شرکای خود را برای انجام همین کار گرد هم آورد. همچنین، رساندن آن قابلیت‌ها به میدان جنگ را که نیازمند اقدام لجستیکی عظیمی بود، هماهنگ کرد. این کمک‌ها تا به امروز شامل ۴۷ بسته مختلف برای پاسخ‌گویی به نیازهای اوکراین در طول درگیری بوده است. ما از نزدیک با دولت اوکراین در مورد نیازمندی‌های آن همکاری کردیم و بر روی جزئیات فنی و لجستیکی کار کردیم تا مطمئن شویم که نیروهایش آنچه را که نیاز دارند، دریافت کنند. همچنین، همکاری اطلاعاتی آمریکا با اوکراین و تلاش‌های آموزشی را افزایش دادیم. تحریم‌های گسترده‌ای نیز علیه روسیه اعمال کردیم تا توانایی این کشور برای جنگ را کاهش دهیم.

سالیوان گفته که ما روندی را با متحدان و شرکای آمریکا آغاز کردیم تا به اوکراین کمک کنیم قدرتی نظامی ایجاد کند که بتواند در زمین، دریا و هوا از خود دفاع کند و از تجاوزات آینده جلوگیری کند. او گفته که رویکرد ما در اوکراین پایدار است و برخلاف تصور برخی، این کار ظرفیت آمریکا را برای مقابله با هرگونه احتمالی در اقیانوس هند و آرام افزایش می‌دهد. به ادعای سالیوان «مردم آمریکا وقتی یک قلدر را می‌بینند، او را می‌شناسند. آنها می‌دانند که اگر بخواهند حمایت آمریکا را از اوکراین بگیرند، نه تنها اوکراینی‌ها را در مضیقه شدیدی در دفاع از خود قرار می‌دهد، بلکه سابقه وحشتناکی ایجاد می‌کند که تهاجم را در اروپا و فراتر از آن تشویق می‌کند». بر این اساس، او گفته که حمایت آمریکا از اوکراین گسترده و عمیق است و پایدار خواهد بود. ضمن اینکه بایدن آشکارا اعلام کرده که اگر روسیه به متحدان آمریکا در ناتو حمله کند، آمریکا از هر وجب از خاک متحدین دفاع خواهد کرد.

رقابت در عصر وابستگی متقابل

مشاور امنیت ملی بایدن در مقاله خود نوشته که جهان در حال رقابتی ترشدن است؛ فناوری، نیروی مخربی خواهد بود؛ و مشکلات مشترک در طول زمان حادتر خواهند شد. اما دقیقاً مشخص نیست که این نیروها چگونه خود را نشان خواهند داد. آمریکا در گذشته غافل‌گیر شده (با بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ و حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰) و احتمالاً در آینده نیز غافل‌گیر خواهد شد؛ جدا از اینکه دولت چقدر برای پیش‌بینی آنچه در راه است، تلاش می‌کند (و سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا خیلی درست عمل کرده‌اند؛ از جمله هشدار دقیق حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲). استراتژی ما برای کار در سناریوهای مختلف طراحی شده است.

از نظر سالیوان، آمریکا با سرمایه‌گذاری در منابع قدرت داخلی، تعمیق اتحادها و مشارکت‌ها، ارائه نتایج در مورد چالش‌های جهانی و قاعده‌مند ماندن در اعمال قدرت، آماده پیشبرد چشم‌انداز خود از جهانی آزاد، باز، مرفه و امن خواهد بود. مهم نیست که چه شگفتی‌هایی در انتظار ماست. ما به قول دین آچسون، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، «موقعیت‌های قدرت» ایجاد کرده‌ایم.

به نوشته سالیوان، عصر رقابتی که در راه است بی‌شبهت به گذشته خواهد بود. رقابت امنیتی اروپا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم عمدتاً منطقه‌ای و بین قدرت‌های متوسط و نزدیک بود که در نهایت به فاجعه ختم شد. جنگ سردی که پس از مخرب‌ترین جنگ تاریخ بشری اتفاق افتاد، بین دو ابرقدرتی که وابستگی متقابل بسیار پایینی داشتند، به راه افتاد؛ که قاطعانه به نفع آمریکا تمام شد. رقابت امروز اساساً متفاوت است. آمریکا و چین از نظر اقتصادی به یکدیگر وابسته هستند. این مسابقه واقعاً جهانی است، اما برد-باختی نیست. چالش‌های مشترکی که دو طرف با آنها مواجه‌اند، بی‌سابقه است. اغلب از ما در مورد وضعیت نهایی رقابت آمریکا با چین سؤال می‌شود. ما انتظار داریم که چین در آینده قابل پیش‌بینی به‌عنوان بازیگری اصلی در صحنه جهانی باقی بماند. ما به دنبال نظم بین‌المللی آزاد، باز، مرفه و امن هستیم، نظمی که از منافع آمریکا و دوستانش محافظت کند و کالاهای عمومی جهانی را ارائه دهد.

مشاور امنیت ملی آمریکا گفته که ما انتظار حالت پایانی متحول‌کننده‌ای را -مانند آنچه در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رخ داد- نداریم. در رقابت آمریکا و چین، نوسان وجود خواهد داشت. هم آمریکا و هم چین دستاوردهایی خواهند داشت. واشنگتن باید احساس فوریت را با صبر متعادل کند و درک کند که آنچه مهم است، مجموع اقداماتش است، نه برنده شدن در یک چرخه خبری. ما نیاز به حس پایدار اعتماد به ظرفیت خود برای پیشی گرفتن از هر کشوری داریم. آمریکا از روابط تجاری و سرمایه‌گذاری قابل توجهی با چین برخوردار است. اما روابط اقتصادی با چین پیچیده است؛ زیرا این کشور، رقیب است. ما در عقب‌راندن شیوه‌های تجاری ناعادلانه که به کارگران آمریکایی آسیب می‌زند، تردید نخواهیم کرد. ما نگران این هستیم که چین بتواند از فضای باز آمریکا برای استفاده از فناوری‌های این کشور علیه خود و متحدانش استفاده کند.

در چنین شرایطی، سالیوان تز ریسک‌زدایی از روابط با چین را مطرح می‌کند. او می‌گوید که ما به دنبال «ریسک‌زدایی و تنوع هستیم، نه جداسازی». ما می‌خواهیم به‌صورت هدفمند از شماری از فناوری‌های حساس خود محافظت کنیم و چیزی را ایجاد کنیم که برخی آن را «حیات کوچک و حصار بلند» می‌نامند. ما با انتقادهایی مواجه شده‌ایم که این اقدامات مرکانیلیستی یا حمایتی است. این نادرست است. اینها گام‌هایی هستند که با مشارکت دیگران برداشته می‌شوند و بر مجموعه محدودی از فناوری‌ها متمرکز هستند؛ گام‌هایی که آمریکا باید در دنیای رقابتی‌تر برای محافظت از امنیت ملی خود و در عین حال، حمایت از اقتصاد جهانی به‌هم‌پیوسته بردارد. در عین حال، ما در حال تعمیق همکاری‌های فناورانه با شرکا و متحدان همفکر خود هستیم؛ و به سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌های آمریکا و زنجیره تأمین ایمن و انعطاف‌پذیر ادامه خواهیم داد. همچنان به پیشبرد برنامه‌ای ادامه خواهیم داد که زمینه بازی برابر برای کارگران و شرکت‌های آمریکایی ایجاد کند.

گاهی اوقات رقابت شدید خواهد بود. ما برای آن آماده‌ایم. به شدت در مقابل تهاجم، اجبار و ارعاب می‌ایستیم و از قوانین بنیادینی مانند آزادی دریانوردی در دریا دفاع می‌کنیم. همان‌طور که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه در سخنرانی در ماه سپتامبر بیان کرد «نفع شخصی روشن‌نگرانه آمریکا در حفظ و تقویت این نظم هرگز بزرگ‌تر نبوده است». ما همچنین درک می‌کنیم که رقباى آمریکا، به ویژه چین، دیدگاهی اساساً متفاوت دارند. اما واشنگتن و پکن باید دریابند که چگونه رقابت را برای کاهش تنش‌ها مدیریت کنند و راهی برای پیشبرد چالش‌های مشترک بیابند. به همین دلیل است که دولت بایدن در حال تشدید دیپلماسی با چین، حفظ کانال‌های ارتباطی موجود و ایجاد کانال‌های جدید است. آمریکایی‌ها برخی از درس‌های بحران‌های دهه‌های گذشته را درونی کرده‌اند؛ به ویژه احتمال وقوع درگیری. تعامل سطح بالا و مکرر برای رفع ادراک نادرست، اجتناب از ارتباط نادرست، ارسال سیگنال‌های بدون ابهام و کنترل شرایط نامطلوبی که می‌توانند به بحران بزرگی منتهی شوند، حیاتی است.

همچنین باید به یاد داشته باشیم که هر کاری که رقبا انجام می‌دهند، لزوماً با منافع آمریکا ناسازگار نیست. توافقی که چین در سال جاری میان ایران و عربستان سعودی به امضا رساند، تا حدی تنش‌ها را بین این دو کشور کاهش داد؛ تحولی که آمریکا نیز می‌خواهد شاهد آن باشد. با توجه به فقدان روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران، واشنگتن نمی‌توانست برای میانجی‌گری آن توافق تلاش کند و نباید سعی کند آن را تضعیف کند. به عنوان نمونه‌ای دیگر، آمریکا و چین درگیر رقابت سریع و پرمخاطره فناوری هستند، اما دو طرف باید بتوانند با یکدیگر در مورد خطرات ناشی از هوش مصنوعی کار کنند. انجام این کار نشانه سستی نیست. این نشان‌دهنده ارزیابی آشکاری است که هوش مصنوعی می‌تواند چالش‌های منحصر به فردی برای بشریت ایجاد کند و قدرت‌های بزرگ مسئولیت جمعی برای مقابله با آنها را دارند.

از نظر سالیان، طبیعی است که کشورهایی که نه با آمریکا و نه با چین همسو هستند، با هر دوی آنها وارد تعامل شوند و به دنبال سود بردن از رقابت میان آنها و در عین حال، تلاش برای در امان ماندن از پیامدهای منفی رقابت آنها باشند. بسیاری از این کشورها خود را بخشی از جنوب جهانی می‌دانند؛ گروهی که منطبق خاص خود و نقدی متمایز از غرب دارد که به دوران جنگ سرد و تأسیس جنبش عدم تعهد بازمی‌گردد. با این حال، برخلاف دوران جنگ سرد، آمریکا از وسوسه دیدن جهان صرفاً از منظر رقابت ژئوپلیتیکی یا نگاه به این کشورها به عنوان مکان‌هایی برای رقابت‌های نیابتی اجتناب خواهد کرد. در عوض، به تعامل با آنها بر اساس شرایطشان ادامه خواهد داد. واشنگتن باید در مورد انتظارات خود در برخورد با این کشورها واقع‌بین باشد و به حاکمیت آنها و حق آنها برای اتخاذ تصمیماتی که منافعشان را ارتقا می‌دهد، احترام بگذارد. اما باید روشن شود که چه چیزی برای آمریکا مهم است. ما به این ترتیب به دنبال شکل دادن به روابط با آنها خواهیم بود؛ به طوری که در حالت تعادل، آنها انگیزه‌هایی برای عمل به روش‌هایی مطابق با منافع آمریکا داشته باشند.

در دهه پیش رو، مقامات آمریکا زمان بیشتری را نسبت به ۳۰ سال گذشته صرف گفتگو با کشورهای خواهی خواهند کرد که اغلب در مورد مسائل اساسی با آنها مخالف هستند. جهان در حال مناقشه برانگیزتر شدن است و آمریکا نمی‌تواند تنها با کسانی صحبت کند که دیدگاه یا ارزش‌های مشترکی با آن دارند. ما به کار برای شکل دادن به چشم‌انداز کلی دیپلماتیک، به روش‌هایی که هم منافع آمریکا و هم منافع مشترک را پیش می‌برد، ادامه خواهیم داد. برای نمونه، زمانی که چین، برزیل و گروهی متشکل از هفت کشور آفریقایی اعلام کردند که تلاش‌های صلح را برای پایان دادن به جنگ روسیه در اوکراین دنبال خواهند کرد، ما اصولاً این ابتکارها را رد نکردیم. ما از این کشورها خواستیم تا با مقامات اوکراینی گفتگو کنند و تضمین دهند که پیشنهادهای آنها برای حل و فصل جنگ با منشور ملل متحد مطابقت دارد.

برخی از بذرهایی که اکنون در حال کاشت هستیم - به عنوان مثال سرمایه‌گذاری در فناوری پیشرفته یا زیردریایی‌های آیوکیوس - سال‌ها طول می‌کشد تا به ثمر بنشینند. اما برخی از مسائل نیز وجود دارد که ما می‌توانیم و اکنون روی آن‌ها کار خواهیم کرد؛ که ما آن را «کار ناتمام» خود می‌نامیم. باید تضمین کنیم که اوکراین مستقل، دموکراتیک و آزاد باشد؛ باید صلح و ثبات را در تنگه تایوان تقویت کنیم؛ باید ادغام منطقه‌ای را در خاورمیانه پیش ببریم؛ و در عین حال، به نظارت بر ایران ادامه دهیم. باید پایگاه نظامی و صنعت دفاعی آمریکا را مدرن کنیم؛ باید تعهداتی در زمینه توسعه، زیرساخت و آب و هوا به جنوب جهانی ارائه دهیم.

مرحله سوم نقش جهانی آمریکا

سالیوان معتقد است که آمریکا به مرحله سوم نقش جهانی خود، که پس از جنگ جهانی دوم بر عهده‌گرفت، رسیده است. در مرحله اول، دولت ترومن شالوده قدرت آمریکا را برای دستیابی به دو هدف پایه‌گذاری کرد: تقویت دموکراسی‌ها و همکاری دموکراتیک و مهار اتحاد شوروی. این استراتژی که توسط رؤسای جمهور بعدی اجرا شد، شامل تلاشی جامع برای سرمایه‌گذاری در صنعت آمریکا به‌ویژه در فناوری‌های جدید از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ بود. این تعهد به قدرت ملی از طریق سرمایه‌گذاری صنعتی، در دهه ۱۹۸۰ شروع به فرسایش کرد و پس از جنگ سرد نیاز چندانی به آن احساس نمی‌شد. در مرحله دوم، چون آمریکا رقیب هم‌تا نداشت، دولت‌های متوالی در این کشور به دنبال گسترش نظم مبتنی بر قوانین تحت رهبری آمریکا و ایجاد الگوهای همکاری در مورد موضوعات حیاتی بودند. این دوران به طرق مختلف جهان را به سوی بهتر شدن متحول کرد: بسیاری از کشورها آزادتر، مرفه‌تر و امن‌تر شدند؛ فقر جهانی کاهش یافت؛ و جهان به‌طور مؤثری به بحران مالی ۲۰۰۸ واکنش نشان داد. اما این یک دوره تغییرات ژئوپلیتیکی نیز بود.

آمریکا اکنون خود را در آغاز سومین دوره می‌بیند: دورانی که در آن خود را با عصر جدیدی از «رقابت در عصر وابستگی متقابل و چالش‌های فراملی» تطبیق می‌دهد. این به معنای گسستن

از گذشته یا دست‌کشیدن از دستاوردهای به دست آمده نیست، بلکه به معنای پی‌ریزی پایه جدیدی از قدرت آمریکاست. اگر می‌خواهیم آمریکا را قوی‌تر از آنچه که می‌دانستیم ترک کنیم و برای آنچه در پیش است آماده‌تر باشیم، باید در مفروضات دیرینه بازنگری کنیم. نتیجه این مرحله تنها توسط نیروهای خارجی تعیین نخواهد شد؛ بلکه تا حد زیادی با انتخاب‌های خود ایالات متحده تعیین خواهد شد.

جمع‌بندی

مقاله جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، دربردارنده نکات بسیار مهمی در مورد وضعیت نظام بین‌الملل و آمریکاست. او در این مقاله می‌گوید که گذار از نظم پس از جنگ سرد اتفاق افتاده و چالش اصلی پیش روی آمریکا، سازگاری با «رقابت در عصر وابستگی متقابل» است. در واقع، سالیوان معتقد است که رقابت استراتژیک میان قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا و چین تشدید شده؛ در حالی که همزمان وابستگی متقابل بر روابط آنها حاکم است. به باور او، در هیچ دوره‌ای از تاریخ روابط بین‌الملل وضعیتی وجود نداشته که دو قدرت اصلی در نظام بین‌الملل هم رقیب یکدیگر باشند و هم وابستگی متقابل در روابط تجاری آنها جریان داشته باشد. مشاور امنیت ملی بایدن، این وضعیت را چالش بزرگی برای آمریکا می‌داند که باید خود را با آن سازگار کند.

برای ایجاد چنین سازگاری‌ای، تز اصلی او «ریسک‌زدایی، نه جداسازی» است. در واقع، سالیوان بر این باور است که جداسازی روابط با چین نه شدنی است و نه به نفع آمریکا و متحدانش. بنابراین، به جای جداسازی، باید ریسک‌زدایی کرد. در ریسک‌زدایی، هم جلوگیری از دستیابی چین به فناوری‌های سطح بالا و حساس آمریکایی (فناوری‌هایی که از نظر سالیوان، چین می‌تواند از آنها علیه خود آمریکا استفاده کند) و هم کاهش وابستگی به چین در زمینه زنجیره تأمین مورد نظر است. برای این منظور، از نظر سالیوان، زنجیره تأمین آمریکا هم در داخل و هم در مشارکت متحدان و شرکای این کشور باید تقویت شود. همچنین، در مورد جلوگیری از دستیابی چین به فناوری‌های حساس، آمریکا نباید هیچ‌گونه تردیدی داشته باشد.

سالیوان معتقد است که آمریکا باید از درون قوی شود و سیاست‌های دولت بایدن بر این مبناست. همچنین، ائتلاف‌ها و اتحادهای آمریکایی نیاز به بازسازی و تقویت دارند که در حال انجام است. قدرت نظامی آمریکا نیز نباید بی‌مهابا مورد استفاده قرار گیرد، بلکه باید به صورت گزینشی از آن بهره‌گرفت. او در مورد خاورمیانه، قائل به رویکردی قاعده‌مند است؛ به این معنا که هر اقدام و رفتاری در مورد این منطقه باید کاملاً محاسبه شده باشد. سالیوان در این مقاله، موضع آمریکا مبنی بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را تکرار کرده و به تداوم نظارت بر ایران اشاره کرده است. با این حال، از بهبود روابط ایران با همسایگان از جمله ایران و عربستان سعودی استقبال کرده است.

آن گونه که از مقاله سالیوان برمی آید، مسئله و چالش اصلی آمریکا، چین است. این در سایر برآوردهای آمریکایی ها نیز وجود دارد. پس از چین، چالش روسیه قرار دارد. به نظر می رسد آمریکایی ها هرچند چالش روسیه را با توجه به جنگ اوکراین، فوری می دانند، اما خیلی نگران روسیه به ویژه در بلندمدت نیستند. طبیعی است که منابع قدرت روسیه قابل مقایسه با چین نیست؛ به ویژه که روسیه با درگیر شدن در جنگ اوکراین، در معرض فرسایش قدرت قرار گرفته و با تداوم فشارهای ناشی از این جنگ (اعم از فشارهای داخلی و خارجی) در بلندمدت رو به افول خواهد رفت. چالش های ناشی از ایران و کره شمالی نسبت به چین و روسیه برای آمریکایی ها از جمله سالیوان، بسیار جزئی تر محسوب می شوند. بر اساس مقاله سالیوان، در وضعیت کنونی نظام بین الملل، آمریکا تمایل چندانی به تمرکز هزینه و منابع بر کشورهایمانند ایران ندارد، اما این به معنای نادیده گرفتن ایران نیست.